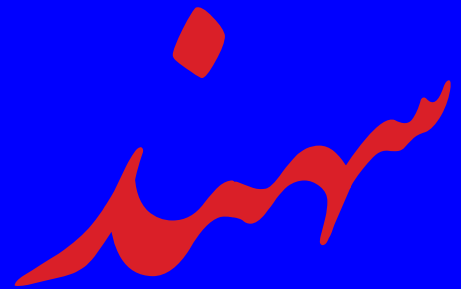


نشریه کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
سردبیر: فراز آزادی



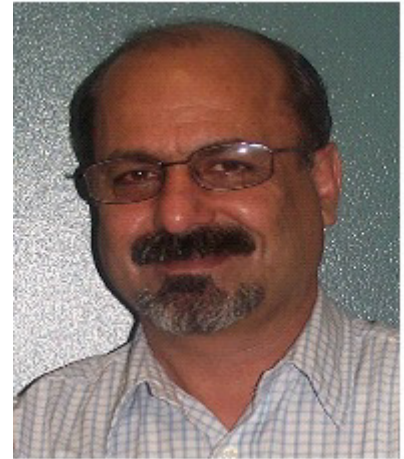
دوره دوم شماره 13، فروردین 1397، آوریل 2018



در این شماره

اعتراضات در خوزستان و تحرک ناسیونالیسم عرب - مصاحبه با محسن ابراهیمی
بیانیه حزب کمونیست کارگری در رابطه با حداقل دستمزد
میزگرد نشریه سه‌شنبه در رابطه با 8 مارس روز جهانی زن
درسهای کمون پاریس- فراز آزادی
به مناسبت سالروز بمباران شیمیائی حلبچه- جلیل جلیلی
شکست نظامی عفرین و رسوایی سیاسی دولت فاشیستی ترکیه- حسن صالحی
عفرین زخمی- کاظم نیکخواه
تخریب خانه های معلولین در ارومیه - شهلا خباززاده
اخبار اعتراضات کارگری در آذربایجان- شهلا خباززاده
تفرقه افکنی در خوزستان محکوم است! اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری
جنایت شهرداری ارومیه را محکوم میکنیم! اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

آزادی، برابری، حکومت کارگری



اعتراضات در خوزستان و تحرک ناسیونالیسم عرب!

گفتگوی نشریه سهند با
محسن ابراهیمی، دبیر
کمیته آذربایجان حزب
کمونیست کارگری

**سهند: خوزستان صحنه
اعتراضات وسیعی شده
است. مشخصا چه اتفاقی
جرقه این اعتراضات را زده
است؟**

محسن ابراهیمی: شبکه دوم صدا و سیما در جریان یک برنامه کودکان تحت عنوان "کلاه قرمزی" نقشه ایران را نشان میدهد؛ در روی نقشه هر منطقه عروسکی با لباس محلی آن نمایان میشود اما منطقه خوزستان با عروسکی با لباس بختیاری معرفی میشود و این جرقه اعتراضات وسیعی میشود که هنوز هم ادامه دارد. هزاران زن و مرد در این اعتراض شرکت میکنند و طبق معمول با هجوم وحشیانه نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت اسلامی مواجه میشوند.

این هم البته یکی از پدیده های

جالب توجه در جمهوری اسلامی است که هر از گاهی در برنامه کودکان این یا آن بخش از مردم در ایران را تحقیر میکنند و به تحریکات ناسیونالیستی دست میزنند! سال 1385، در صفحه کودکان روزنامه دولتی ایران مردم آذربایجان را به سوسک تشبیه میکنند. سال 1394 در شبکه دوم صدا و سیما جمهوری اسلامی در برنامه ای خطاب به کودکان به نام هتل فتیله به اطلاع جهانیان میرسانند که ترک زبانها فرق مسواک و فرچه توالت را نمیدانند. و امروز باز هم در برنامه کودکان به تحریک ناسیونالیستی علیه چند میلیون شهروند در جامعه دست میزنند.

جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم عرب تلاش میکنند اعتراض حق طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی در سراسر ایران و اینجا مشخصا خوزستان را به جنگی میان کرد و ترک و عرب و بلوچ و فارس و غیره و اینجا مشخصا میان "عربها و فارسها" تبدیل کنند.

هدف جمهوری اسلامی معلوم است. جمهوری اسلامی از کابوس قیام دیمه رها نشده است. قیامی که نمایشی قدرتمند از اعتراض متحدانه نزدیک 100 شهر بود. به هم زدن این اتحاد برای جمهوری اسلامی حیاتی است. خیمه شب بازی شنیع با عروسکها در یک برنامه کودکان میتواند حرکتی آگاهانه در این جهت باشد.

**سهند: در رسانه های
اجتماعی متعلق به
دستجات ناسیونالیست
عرب روی این میگویند که
"عربها" در اعتراض
به "کتمان هویت قومی
عربها" به میدان آمده اند؟
در این مورد چه میگوید؟**

محسن ابراهیمی: این دقیقا همان است که جمهوری اسلامی دنبال میکند. اینجا تفسیر و تلاش ناسیونالیستها

**در این تردیدی ندارم که اکثریت مردمی که در
خوزستان به خیابان آمده اند دارند علیه یک حکومت
تبعیض گر اسلامی، علیه فقر و محرومیت و ابعاد
وسیع بیکاری، علیه دستمزدهای دزدیده شده و
حقوقهای معوقه، علیه خشک شدن رودخانه ها و
تالابها، علیه تخریب و ویران کردن محیط زیست، علیه
تحقیر و تبعیض سیستماتیک در مورد زنان، علیه
محرومیت از تحصیل به زبان مادری و کلا علیه بی
حقوقی مغرطی که جمهوری اسلامی بر اکثریت
مردم تحمیل کرده است اعتراض میکنند.**

اعتراضات در خوزستان و تحرک ناسیونالیسم عرب!

هدف ناسیونالیستها هم روشن است. ناسیونالیستها از هر نوعش همیشه روی تقسیم جامعه به اقوام و ملتها و مرکزیت دادن به این تقسیم بندی حساب میکنند. هر چقدر تعداد بیشتری در جامعه خود را با هویت قومی و ملی تعریف کنند همانقدر ناسیونالیسم احساس قدرت میکند. به این اعتبار ناسیونالیستها هر اتفاقی را که به این هدف کمک کند روی هوا میقایند. در اتفاقات خوزستان هم ناسیونالیستها همین هدف را دنبال میکنند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی آن چیزی را به ناسیونالیسم قوم پرست عرب هدیه کرده است که دنبالش بود. مثل همیشه اینجا هم ارتجاع به ارتجاع خدمت میکند. ارتجاع اسلامی ارتجاع ناسیونالیستی را تغذیه میکند.

مردم معترض چطور؟ مستقل از شعارهای مختلف در این اعتراض یک چیز روشن است. مردم به بهانه عروسکها در نقشه ایران، نفرت چهار دهه ای شان از حکومتی را ابراز میکنند که زندگی میلیونها انسان در این نقشه را تباه کره است. اعتراض در خوزستان انفجار بشکه باروت خشم و نفرت تلبارشده در میان مردم است که منتظر یک جرعه بود. نمایش مضحک صدا و سیما با عروسکها نقش این جرعه را بازی کرد.

سهند: وقتی می بینیم به

آیا همین شعار کافی نیست که این را یک حرکت ناسیونالیستی دانست و از آن دفاع نکرد؟

محسن ابراهیمی: "من عرب هستم" با هر هدفی گفته شود شعار سیاسی درستی نیست و باید از آن اجتناب کرد. این شعار یکجوری افتادن به همان دامی است که جمهوری اسلامی پهن کرده است و ناسیونالیسم قوم پرست به پهن کردن این دام کمک میکند. این شعار ابدا مطالبات برحق مردم تحت ستم در خوزستان را منعکس نمیکند.

اما به نظرم به این شعار باید از جنبه های مختلفی نگاه کرد.

از نقطه نظر جمهوری اسلامی راه افتادن چنین شعاری در متن یک اعتراض علیه یک ارگان حکومتی بسیار خوشحال کننده است. آنهم در نقطه ای از ایران که شاهد اعتراضات بسیار گسترده و پیشرو کارگری است. جایی که کارگران پتروشیمی ها، صنایع فولاد و نیشکر نبردی شجاعانه علیه سرمایه داران حاکم و حکومتشان را پیش میبرند. جایی که اتفاقا کارفرماها و حامیان حکومتیشان خیلی تلاش کردند میان کارگران بومی و غیربومی تفرقه بیاندازند و موفق نشدند.

از نقطه نظر ناسیونالیسم عرب این شعار بسیار جذاب است. چرا؟ چون مبنایش تقسیم بندی انسانها بر اساس قومیت است. و تقسیم بندی انسانها بر اساس قومیت یک رکن ایدئولوژیک و هویتی برای هر جریان ناسیونالیستی است.

بهانه قرار دادن عروسکی با لباس بختیاری در منطقه خوزستان مردم در مقیاس هزاران نفره به خیابان میایند، آیا این به اندازه کافی گواه این نیست که اعتراضات مردم رنگ و بوی قومی دارد؟

محسن ابراهیمی: در شرایطی تبلیغات فاشیستی و ناسیونالیستی ممکن است مردم تحت ستم را دنبال خود بکشند و به نیروی یک جنبش ارتجاعی تبدیل کند. تاریخ تحولات سیاسی نمونه های زیادی برای اثبات این واقعیت دارد. در اتفاقات اخیر خوزستان حتما عده ای هم به خاطر تبغیضهای حکومتی بر مبنای قومیت و ملیت و هم به خاطر فضای تبلیغاتی قومپرستان عرب میتوانند اسیر تلقیات قومپرستانه شده باشند. اما در این تردیدی ندارم که اکثریت مردمی که در خوزستان به خیابان آمده اند دارند علیه یک حکومت تبغیض گر اسلامی، علیه فقر و محرومیت و ابعاد وسیع بیکاری، علیه دستمزدهای دزدیده شده و حقوقهای معوقه، علیه خشک شدن رودخانه ها و تالابها، علیه تخریب و ویران کردن محیط زیست، علیه تحقیر و تبغیض سیستماتیک در مورد زنان، علیه محرومیت از تحصیل به زبان مادری و کلا علیه بی حقوقی مفرطی که جمهوری اسلامی بر اکثریت مردم تحمیل کرده است اعتراض میکنند.

سهند: در باره شعار "ما همه عرب هستیم" در تظاهرات نظرتان چیست؟

اعتراضات در خوزستان و تحرك ناسیونالیسم عرب!

خودش از این اعتراض حمایت کرده است.

به این جملات از بیانیه حمایتی ناسیونالیستها ترك نگاه کنید:

"ملت عربی که دارای تاریخ و تمدنی پرافتخار هزاران ساله بوده و از فرهنگی غنی برخوردار است. ملتی که زبان شیرینش زبان قرآن کریم است. ملتی که فتوحاتش در تاریخ ماندگار است."

اولا به نظر میرسد ناسیونالیسم ترك مردم زحمتکش خوزستان را با پیغمبر اسلام و کشور گشاییها و جنایاتش عوضی گرفته است. و ثانيا باید پرسید که اگر مثلا زبان این مردم عربی نباشد، افتخار هیچ کشورگشایی هم به نامشان ثبت نشود، از آیه های نحس قران هم نفرت داشته باشند، آنگاه اعتراضشان شایسته حمایت نیست؟ سزاوار حقوق برابر و انسانی نیستند؟

اجازه بدهید در آخر روی این تاکید کنم که روشن است آن نیرویی که حرمت و انسانیت و حقوق انسانی مردم را زیر پا له میکند حکومت اسلامی است و برای رسیدن به هر درجه ای از آزادی و برابری و حرمت انسانی باید از شر این حکومت رها شد. اما یک کار بزرگ دیگری هم در مقابل جنبشهای پیشرو قرار دارد. این کار مقابله با تلاشها و تحركات مخرب انواع ناسیونالیستها در مقابل مبارزه بحق مردم است. خشک کردن سموماتی است این جریانات منظم در جامعه پخش میکنند. ■

چه شعارهایی دادند؟ یادتان هست در آن نمایش با سرود "ای ایران ای مرز پرگهر" و نعره "حیدر حیدر" در باره سربریدن عربها در کنار قبر کورش رجز خوانی کردند؟

در متن چنین زمینه تاریخی و سیاسی تعجب بر انگیز نیست که به بهانه یک برنامه مضحک نژادپرستانه، برنامه ای که یک جوری موجودیت یک جمعیت بزرگی از شهروندان جامعه را انکار میکند، مردم تحت ستم به خیابان میریزند و به حکومت فاشیست اسلامی تبعیضگر اعتراض میکنند و در این اعتراضشان به شعاری مثل "من عرب هستم" هم متوسل میشوند.

با همه اینها فعالین پیشرو اعتراضات باید تلاش کنند از هر شعاری که دست جریانات ناسیونالیستی را برای استفاده سیاسی باز میکند اجتناب شود و به جایش خواستهای واقعی مردم که در بالا به آنها اشاره کردم در قالب شعارهای روشن اعلام شود. نباید گذاشت تبعیض بر مبنای قومیت باعث شود جامعه معترض به این تبعیض به هر قالبی که رنگ و بوی قومی میدهد پناه ببرد.

سهند: ناسیونالیستهای ترك بیانیه داده اند که ظاهرا حمایت از این اعتراض است. نظرتان در این مورد چیست؟

محسن ابراهیمی: از اعتراض مردم خوزستان علیه تبعیض نژادی و ملی باید حمایت کرد. اما ناسیونالیسم ترك از اعتراض مردم حمایت نکرده است. از تصویر ارتجاعی

اصلا دکان این جریانات ارتجاعی زمانی رونق میگیرد که در خودآگاهی اجتماعی و سیاسی اکثریت مردم تقسیم بندی قومی و ملی جای تقسیم بندی طبقاتی، جای هویت طبقاتی و جای هویت انسانی را بگیرد.

در میان مردم معترض چطور؟

به نظرم برای خیلی از معترضین حتی این شعار قالبی برای اعتراض بر تبعیض و ستم تاریخی علیه خودشان است. منظورم این نیست که هیچ بخشی از آن مردمی که این شعار را دادند متأثر از رسوبات ناسیونالیستی نیستند. اما به نظر من بخش مهمی از معترضین با این شعار به تبعیض سیستماتیکي واکنش نشان میدهند علیه شان هم در دوران سلطنت پهلوی و هم در جمهوری اسلامی اعمال شده است.

به تحقیر و توهین و تبعیض تاریخی و سیستماتیک ضد عربی توسط ناسیونالیسم ایرانی نگاه کنید. به ادبیات فاشیستی ضد عربی این ناسیونالیسم نگاه کنید. تقریبا هیچ صفت کثیفی نیست که این ناسیونالیسم علیه این مردم پرتاب نکرده باشد. یادتان هست وقتی به بهانه آزار جنسی دو جوان ایرانی در جریان سفر حج توسط شرطه های عربستان، وزارت اطلاعات یک نمایش اسلامی - ناسیونالیستی در مقابل سفارت عربستان راه انداخت و

مفتخوران و حقوق های نجومی شان توجه وسیع جامعه را به خود جلب کرده اند، مدیای اجتماعی را به خدمت گرفته اند و شبکه های سراسری خود را سازمان داده اند و به موازات این عوامل، امروز کل جامعه در کنار کارگران و در مقابل حکومت اسلامی و سران دزد و جنایتکار آن قد علم کرده و موقعیت مساعدی برای مقابله با سرمایه داران و حکومت اسلامی شان و علیه تصمیم جنایتکارانه آنها درمورد دستمزد فراهم شده است.

در هفته های گذشته دهها تشکل کارگری در بیانیه های خود خواهان دستمزد ۵ میلیون تومان شده اند و این میتواند پرچم کلیه کارگران و معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور باشد. این خواست فراگیری است که میتواند عامل اتحاد کلیه مراکز کارگری، معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور باشد. حول این خواست متحد شویم، صفوف مان را فشرده تر سازیم و خود را برای گسترش اعتصاب و اعتراض علیه تصمیم شورایی عالی کار و با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان آماده سازیم. بپاخیزیم و اجازه ندهیم مشتکی دزد و مفتخور و غیر انسان، ما را، کودکانمان را، سالخوردهگانمان را از همه چیز محروم کنند. شرایط برای پیشروی ما و تحمیل خواست هایمان به دشمنان مان بیش از همیشه آماده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ فروردین ۱۳۹۷،

۲۱ مارس ۲۰۱۸

آزادی و عدالت و یک زندگی انسانی حق بی چون و چرای فرد ماست.

تک تک مقامات در وحشت خیزش مجدد و بزرگتر کارگران به سر میبرند. اینرا همه آنها از مقامات دولتی تا فرماندهان اوباش سرکوبگر و کارشناسانشان طی دو ماه اخیر بارها و بارها اعتراف کرده اند. آنها اعتصابات و تجمعات پرشور و خستگی ناپذیر کارگران در مراکز مهم صنعتی در سراسر کشور را می بینند و توان مقابله با آنها را ندارند. خشم عمیق اکثریت عظیم مردم را، که از دیمه علیه نظام نکبت اسلامی وارد مرحله تازه ای شده است، هر لحظه و در همه جا می بینند و علیرغم بکارگیری چماق بدستان و قمه کشان و زندان و جریمه توان ساکت کردن مردم را ندارند. اعتراض وسیع زنان و جوانان را می بینند، اما نمیتوانند مانع گسترش آن شوند. آنها موقعیت بحرانی خود را، اقتصاد ورشکسته و صفوف بهم ریخته خود را می بینند و مدام به هم هشدار میدهند، اما هیچ راه حلی برای کاهش آن ندارند.

اما کارگران صفوفشان متحدتر و مستحکم تر شده است. در طول سالیان گذشته تجارب ارزنده ای کسب کرده اند، هزاران رهبر کارگری در خلال مبارزات بی وقفه کارگران پا به صحنه گذاشته اند، در برخی عرصه ها موفق به سازماندهی اعتصابات و تجمعات سراسری شده اند، خانواده های کارگری به تجمعات اعتراضی پیوسته اند، با راهپیمایی های خود و شعارهای کوبنده علیه



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

بیانیه حزب کمونیست کارگری درمورد حداقل دستمزد سال ۹۷

**خواست حداقل دستمزد
بالای ۵ میلیون تومان را به
پرچم اعتراض خود تبدیل
کنیم**

افزایش حداقل دستمزد حدود بیست درصد توسط شورایی عالی کار بیشک خشم همه کارگران را برانگیخته و البته هیچکس انتظار دستمزدی برای تامین حداقل زندگی نه از دولت و نه پادوهای شوراهای اسلامی شان نداشت. آنها هر سال در اطاق های در بسته مینشینند و ادای مذاکره و توافق درمیآوردند و تصمیم جنایتکارانه شان را در مقابل میلیون ها خانواده کارگری که به گرسنگی کامل سوق داده اند، اعلام میکنند. آنها حتی همین دستمزدهای شرم آور را هم برای پروار شدن بیشتر و افزودن بر حقوقهای نجومی شان بالا میکشند و اعتراض کارگر را با زندان پاسخ میدهند. اما امسال شرایط برای مقابله کارگران با دولت و کارفرمایان مساعدتر از همیشه است. باید عزم کنیم که نه فقط این دستمزدهای زیر خط فقر بلکه کل سیستم و حکومتی که کارگر را سالهاست به شرایطی جهنمی محکوم کرده است، از صحنه جامعه جارو کنیم. رفاه و

میزگرد سهند با فعالین جنبش زنان

سهند: مراسم ۸ مارس امسال چگونه برگزار شد؟ تفاوت ۸ مارس امسال با سالهای گذشته چگونه بود؟

شهلا خباززاده: مراسم ۸ مارس امسال بسیار گسترده تر برگزار شد و مهر رویدادهای سیاسی چند ماه اخیر را بر خود داشت. از این نظر این مراسم سیاسی تر و رادیکال تر از سالهای گذشته بود. یعنی فقط محدود به خواسته های مشخص زنان نبود، بلکه جمهوری اسلامی را به چالش کشیده بود. ما شاهد جنبش دختران خیابان انقلاب و حجاب برگیران آنها بودیم. برای اولین بار در سمینارها و کنفرانس ها زنان بدون حجاب سخنرانی کردند، در داخل مترو زنان بدون حجاب سرود برابری خواندند و سخنرانی کردند و مورد تشویق قرار گرفتند که فیلم آن از طریق مدیای اجتماعی در سراسر جهان پخش شد. در تجمع ۸ مارس در مقابل وزارت کار در تهران صدها نفر شرکت داشتند که ۸۴ نفر دستگیر شدند. اما حتی به زندان افتادن هم موجب وحشت زنان مبارز نشد. زن سالخورده ای روسری خود را درآورد و بر سر عصای خود زد و آنرا بالا برد. این روحیه بالا و تعرضی زنان به حکومتی را نشان میدهد که بیش از ۳۹ سال با شکنجه و زندان و اسید پاشی و پونز تلاش کرده است حجاب را به

زنان تحمیل کند. ۸ مارس امسال را میتوان نقطه آغازی برای حرکت های بزرگتر آینده دانست. جنبش زنان از مرزهایی عبور کرده است که بنظر بسیاری تا یکی دو سال اخیر غیرقابل عبور تصور میشد. ۸ مارس امسال و رادیکالیسم آن، نیروی های ملی مذهبی و اصلاح طلب و شخصیت های آن نظیر شیرین عبادی را در انزوا قرار داد، بطوری که امکان هر اظهار نظری درباره مهمترین وقایع ۸ مارس امسال را از آنها گرفت.

مهرنوش رستمی: ۸ مارس امسال متاثر از قیام دی ماه و حرکت دختران انقلاب، حال و هوای دیگری داشت و با شور و شوق بیشتر زنان و مردان برابری طلب و خواهان رفع تبعیض جنسیتی، در جامعه نمود پیدا کردند، تا جایی که در عکس العمل به آن، واکنش های شدیدی از طرف مقامات دولتی وائمه ی جمعه را شاهد بودیم. به مناسبت این روز مهم و تاریخی، از طرف تشکل های مختلف زنان بیانیه هایی مبنی بر رفع ستم جنسیتی با محتوای شعارهایی حول محور حکومت ضد زن، سرنگون سرنگون! صادر و پخش گردید.

نازی نیکوفر از ایران: به جرات میتوان گفت زنان ایرانی، علی العموم و نه در سطح پیشروان جنبش زنان، خبر از همچین روزی نداشتند. روز زن منحصرأ به تولد فاطمه، گرفتن هدیه، چند جشن آبکی، یکی

شهلا خباززاده: در ایران سرنگونی جمهوری اسلامی هدف اصلی جنبش زنان است. زنان بخوبی آگاه هستند که برابری کامل زن و مرد و تحقق خواسته های آنها در شرایطی ممکن است که آزادی های بدون قید و شرط سیاسی بدست آید و نظامی برقرار شود که رفاه و آسایش عموم مردم را تحقق بخشد. و فقط جنبش کمونیسم کارگری است که این هدفها را در سرفصل برنامه خود قرار داده است.

میز گرد سهند با فعالین حقوق زنان

دو سرود خلاصه میشد. بازهم تاکید میکنم من در سطح عمومی منظورم است. ولی امسال بجات می توانم بگویم که هشت مارس در سطح گسترده و اجتماعی در ایران در مقابل جامعه قرار داده شد. هرچند با یکی دوروز اختلاف با تولد فاطمه و تلاقی تقریباً این دوروز باهم میرفت که عده ای تبریکات روز زن را به پای تولد فاطمه بگذارند، ولی وقتی مطالبات و خواسته ها، تجمعات و متعاقباً دستگیری ها صورت گرفت، تفاوت این دوروز برای همگان مشخص شد.

سهند: جنبش اعتراضی دختران انقلاب در ۸ مارس امسال چگونه متبلور شد و نظر شما در مورد تاثیر این حرکت در ۸ مارس امسال چیست؟

شهلا خباززاده: جنبش دختران خیابان انقلاب شاخصی مهم برای ۸ مارس امسال است. حجاب برگیران در محل های پر رفت و آمد عمومی چنان موجب وحشت رژیم شد که دست اندرکاران حکومت آن را به معنای مخالفت با قرآن و نظام تعبیر کردند. این حرکت انعکاس جهانی پیدا کرد. در شهرهای مختلف جهان در حمایت از این دختران نمایش هایی اجرا شد. در ترکیه زنان در حمایت از جنبش زنان در ایران حجاب ها را بر سر چوب کرده و بالا بردند. تصویر دختری

بعدی را فراهم خواهد ساخت. کما اینکه سیر حوادث قیام دی ماه، منجر به تعمیق جنبش زنان به صورت حرکت دختران انقلاب و پس از آن اعتراضات گسترده ۸ مارس و دست آخر در چهارشنبه سوری متبلور گردید و به اوج خود رسید. در چهارشنبه سوری، دیدیم که چگونه زنان بدون داشتن حجاب همراه مردان در اکثر شهرهای ایران، به طور گروهی دور آتش می رقصند و پایکوبی می کنند و همزمان با دادن شعار مرگ بر دیکتاتور روسری ها را درآتش می افکنند.

نازی نیکوفر: جنبش دختران انقلاب متأسفانه در روزهای اول و زمان شروع اش، زیاد بهش توجه و پرداخته نشد، ولی با گسترده تر شدن این اعتراض، زنان ایرانی را بر آن داشت تا در روزی که متعلق به خودشان است، بصورت جمعی این حرکت اعتراضی مهم را حمایت کنند و بنوعی اگر اعتراض دختران خیابان انقلاب نبود، ۸ مارس امسال به این حد گسترده و اجتماعی نمیشد.

که آرام و مطمئن بالای یک سکو ایستاده در حالی که تکه پارچه ای را بر سر چوب زده و بالا برده، تبدیل به یک سمبل جهانی برای مبارزه زنان ایران با یک حکومت وحشی ضد زن شد. این تصویر در شکل ها و ایده های مختلف تکثیر شد که همه آنها یک مضمون داشتند: این دختران در مقابل هیولای جمهوری اسلامی ایستاده و آنرا وادار به عقب نشینی کرده اند.

مهرنوش رسنمی: جنبش اعتراضی دختران انقلاب علیه حجاب اجباری در ۸ مارس، با برداشته شدن حجابها در هر جمع زنانه ای، چه در متروها، چه در خیابانها ادامه یافت. زنان پس از قیام دی ماه و حرکت دختران انقلاب، با درک موقعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی خود، آزادی از قید و بند حجاب را مهم تلقی کرده و رفع تبعیض جنسیتی را در راس خواستههایشان قرار دادند. آنچه مسلم است هرچه درک این ضرورتها بالاتر رود و عمیق تر گردد، زنان آزادتر خواهند بود و در این راستا هر حرکت آزادیخواهانه موجبات حرکات



میز گرد سهند با فعالین حقوق زنان

سهند: امروزه مطالبات جنبش زنان در ایران کدامها هستند و به نظر شما کدام جنبش اجتماعی می تواند این خواستها را نمایندگی کند؟

شهلا خباززاده: اولین و مهمترین خواسته زنان سرنگونی جمهوری اسلامی و لغو همه قوانین ضد زن است. لغو آپارتاید جنسی و بدست آوردن برابری کامل زن و مرد از این کانال میگذرد. بنظر من فقط یک جنبش اجتماعی ماکزیمالیست و رادیکال میتواند خواستهای جنبش زنان را نمایندگی کند. جنبشی که کمترین سازشی با قوانین و سنت های ضد زن نداشته باشد و به هیچوجه بدنبال چانه زنی و معامله بر سر حقوق طبیعی و مسلم زنان نباشد. این جنبش اجتماعی چیزی بجز سوسیالیسم نیست. بیش از دو قرن است که جنبش زنان و خواستهای برابری طلبانه زنان با جنبش چپ گره خورده است. اگر قدرتگیری آرمان های سوسیالیست وجود نداشت، تصور جنبش زنان به شکل و

مهرنوش رستمی: برای تعمیق بخشیدن به جنبش زنان یک دنیا راهکار وجود دارد. هر جا زنان هستند فعالین هم باید باشند در خانه در کوچه در ادارات و کارخانجات و... ما همواره باید این نکته را مد نظر داشته باشیم که هر جا زنی وجود دارد حتما در آنجا یکی از مشکلات جنسیتی نیز وجود دارد. زنان چه بطور فردی چه بطور اجتماعی در جامعه ی ما حامل این مشکلات هستند و بطور روزمره آن مشکلات را بر دوش می کشند و مدام در کشمکش درونی و بیرونی با این قضایای جنسیتی هستند.

پیشرو زنان را نمایندگی می کند.

مهرنوش رستمی: ضرب المثلی داریم در فارسی که می گوید: هر که بامش بیش برفش بیشتر. حکایت زنان ما هم همین است. آنقدرکه مشکلات شان متعدد است و چند بعدی، خوب بالطبع خواسته ها و مطالباتشان نیز بیشمار است. اما عمده ترین مطالبات زنان در حال حاضر رفع تبعیض جنسیتی است، زیرا این تبعیض ها عمومی ترین و فراگیرترین و تحقیرآمیزترین نوع مشکلات زنان در جای جای جامعه ی ما هستند که زنان به طور روزمره با آن دست و پنجه نرم می کنند و باعث رنجش آنها می شود. جنبش زنان تنها با اتحاد و همبستگی با سایر جنبش های موجود علی

قدرت امروز محال بود و حتی در اروپا هم زنان حقوقی بیشتر از بردگان نداشتند.

در ایران سرنگونی جمهوری اسلامی هدف اصلی جنبش زنان است. زنان بخوبی آگاه هستند که برابری کامل زن و مرد و تحقق خواستهای آنها در شرایطی ممکن است که آزادی های بدون قید و شرط سیاسی بدست آید و نظامی برقرار شود که رفاه و آسایش عموم مردم را تحقق بخشد. و فقط جنبش کمونیسم کارگری است که این هدفها را در سرفصل برنامه خود قرار داده است. علاوه بر آن فقط کمونیسم کارگری است که کمترین توهمی به قوانین و سنن اسلامی نداشته و در هیچ موردی کمترین سازشی بر سر حقوق زنان نمیکند و خواستهای جنبش مترقی و



میز گرد سهند با فعالین حقوق زنان

الخصوص جنبش بزرگ طبقه ی کارگر و پیوستن به احزاب سیاسی مدافع آن می تواند خود را ارتقا دهد و به مطالبات حق طلبانه ی خود برسد و ارمغان آزادی از قید و بندهای طبقاتی و جنسیتی را به زنان عرضه کند. فقط در سایه ی استقرار سوسیالیسم است که زنان برای همیشه آزاد و رها بمثابه ی یک انسان مهم و با ارزش می توانند زندگی کنند.

سهند: شرایط سیاسی و توازن قوای سیاسی بعد از اعتراضات دیماه در ایران تغییر پیدا کرده است، به اعتقاد شما فعالین و رهبران عملی جنبش اعتراضی زنان چگونه میتوانند از این اوضاع برای پیشرویهای بیشتر جنبش استفاده کنند و اساسا چکار باید بکنند؟

مهرنوش رستمی: ببینید برای تعمیق بخشیدن به جنبش زنان یک دنیا راهکار وجود دارد. هر جا زنان هستند فعالین هم باید باشند در خانه در کوچه در ادارات و کارخانجات و... ما همواره باید این نکته را مد نظر داشته باشیم که هر جا زنی وجود دارد حتما در آنجا یکی از مشکلات جنسیتی نیز وجود دارد. زنان چه بطور فردی چه بطور اجتماعی در جامعه ی ما حامل این مشکلات هستند و بطور روزمره آن مشکلات را بر دوش می کشند و مدام در

کشمکش درونی و بیرونی با این قضایای جنسیتی هستند. بنابراین ارتباط گیری با زنان اگر امر آسانی نباشد سخت هم نیست. همانطور که قبلا هم اشاره کردم زنان دارای آمادگی روحی مناسبی برای ارتباط گیری واز آن مهم تر بشدت پیگیر حل مشکلات زندگی خود هستند. به سرعت از یکدیگر می آموزند و برخلاف مردان آموخته ها و اطلاعات خود را به هم جنسان خود منتقل می کنند. از ویژگی های دیگر زنان اینکه آینده نگر می باشند و مدام در حال برنامه ریزی برای آینده ی نزدیک و دور خود و اطرافیانشان هستند. با همین چند خصلت ویژه در زنان می توان بخوبی درک کرد که فعالین دست شان برای سازمان دهی زنان در تشکل های مختلف زنان چقدر باز است. این تشکل ها خیلی طبیعی و عجین شده با زندگی روزمره ی زنان، در خانه و اجتماع و محیط کار می تواند شکل بگیرد. تشکل های هنری، ورزشی، بهداشتی و تغذیه، صنایع دستی، آشپزی و مهارت های زندگی، محلات،

کتابخوانی و... صورت بگیرد. شکل عالی این تشکل ها سازمان زنان احزاب سیاسی است که از طریق جمع های توده ای _دموکراتیک زنان می توانند با نشریات حزبی و... آگاه شدن و آموزش های لازم برای ارتقای آنان را فراهم سازند.

در جامعه ی ما شاید کمتر زنی را پیدا کنید که از تبعیض جنسیتی زخمی نخورده باشد و یا از بچگی افعال امری و دستوری «نپر، نخند، نرو، نپوش و...» را نشنیده باشد. اکثریت به اتفاق زنان در هر موقعیت اجتماعی، از روستایی گرفته تا شهری، از بی سواد یا تحصیل کرده، از دختر بچه گرفته تا زنان مسن غیر ممکن است که در گیر این تبعیضات نباشند. بنابراین باید در هر رده ای از همین تبعیضات شروع کرد. امر سازمان دهی و ارتباط گیری دو روی سکه ی رهبری می باشند. اگر ارتباطی نباشد بی شک سازمان دهی هم وجود نخواهد داشت و اگر هر دوی اینها نباشند نمی توان نیرویی را رهبری کرد.



میز گرد سهند با فعالین حقوق زنان

**سهند: نقش جنبش
کمونیسیم کارگری و
مشخصا حزب کمونیست
کارگری ایران در
پیشرویهای تا کنونی
جنبش زنان در ایران را
چگونه ارزیابی میکنید؟**

مهرنوش رستمی: امروز در ایران خوشبختانه اکثرا می دانند که سیستم سرمایه داری از نوع سکولار یا مذهبی اش نمی تواند جوابگوی خواست های زنان باشد. اسلام سیاسی ستم و تبعیض هر چه بیشتری را به زنان تحمیل کرد که نتایج فاجعه باری را به دنبال داشت. تنها جریان و نیرویی می تواند زنان را بطور کلی چه در عرصه ی جهانی چه در عرصه ی داخلی

کنفرانس ها و پرسش و پاسخ ها در گروههای مجازی، همه و همه در پیشروی ها، تعمیق مبارزات بطورکلی موثر بوده اند و نقش بسزایی را ایفا کرده اند. من از همین جا از کلیه ی اعضا و رهبری حزب کمونیست کارگری ایران تشکر می کنم بخاطر تلاش بی وقفه ای که برای رهایی جامعه از هر گونه تبعیض و نابرابری انجام می دهند. من اعتقاد دارم که حزب در این پروسه موفق خواهد شد برای اینکه نیروی پر قدرت زنان را باور دارد.

نازی نیکوفر: زنان در ایران و بویژه زنان شاغل، همواره دچار ستم مضاعف بوده و از شرایط رقابتار نظام سرمایه داری و بویژه با این حاکمیت اسلامی سرمایه مورد تبعیض واقع شده و په تنگ آمده اند. جنبش زنان آمادگی بیشتری برای پذیرش نگرش رهائی بخش کمونیسم کارگری دارند و بنابراین اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری در ایران باید در بین زنان، کمونیسم را به زبان ساده آموزش دهند. من فکر میکنم در این راستا تلویزیون کانال جدید، میتواند برنامه هائی داشته باشد. امروزه نقش حزب کمونیست کارگری در جنبشهای اعتراضی مانند جنبش کارگری و جنبش زنان بیشتر از گذشته مشهود است. فکر میکنم حزب کمونیست کارگری تا باینجای کار، نقش مهمی در این پیشرویها داشته ولی باید همچنان به فعالیت خود سرعت بیشتری داده و به تبلیغات گسترده تری دست بزند. ■

سوسیالیسم در جامعه پیاده می کند می تواند زنان را در جایگاه اصلی انسانی خود قرار دهد. از کلیات که بگذریم مشخصا در ایران حزب کمونیست کارگری ایران با باور قدرت و پتانسیل زنان و خود شکوفایی انقلاب زنانه گام مهمی را در پیشبرد اهداف جنبش زنان برداشته است. در میان جریانات چپ کمونیستی حزب کمونیست کارگری تنها جریانی است که به مساله ی زنان و مشکلاتش اهمیت ویژه ای داده و مستمرا در تاکتیک های روزمره اش آن را مد نظر دارد. عمده کردن شعار نه به حجاب و نه به سنگسار و قصاص اسلامی و بطورکلی نه به قوانین ضد زن اسلامی از طرف حزب کمونیست کارگری، ایجاد کمپین های متعدد جهانی علیه قوانین ضد زن ج.ا توسط مینا احدی و دیگر اعضای حزب کمونیست کارگری ایران، و... در سطح

نازی نیکوفر: جنبش زنان آمادگی بیشتری برای پذیرش نگرش رهائی بخش کمونیسم کارگری دارند و بنابراین اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری در ایران باید در بین زنان، کمونیسم را به زبان ساده آموزش دهند. من فکر میکنم در این راستا تلویزیون کانال جدید، میتواند برنامه هائی داشته باشد.

جهانی و کارهای عملی در داخل مثل حمایت از حرکت دختران انقلاب و انجام مصاحبه ها با این دختران، انعکاس اهداف واقعی این دختران، شعار نویسی ها، دیوار نویسی ها، پخش بیانیه ها به مناسبت روز جهانی زن (8مارس)، رهنمودها و پیام ها از طریق تلویزیون کانال جدید،

از بند بند تبعیضات جنسیتی رها سازد، همانا جنبش کمونیسم کارگری و نیروی چپ کمونیستی است. این جنبش هم می تواند موانع اساسی موجود در جامعه بر سر راه رهایی زنان که مشخصا ج.ا است را بردارد و هم اینکه با برنامه های متنوع و انقلابی که در آینده با استقرار

درسهای کمون- انترناسیونالیسم در برابر ناسیونالیسم

به مناسبت سالگرد کمون
پاریس، اولین انقلاب
کارگری جهان

فراز آزادی

18 مارس، سالگرد کمون پاریس است. یکصد و چهل و هفت سال قبل کمون پاریس، اولین انقلاب کارگری در جهان اتفاق افتاد که امکانپذیری انقلاب توسط طبقه کارگر، طبقه نوین اجتماعی در عصر سرمایه داری، را اثبات و کسب قدرت سیاسی بدست این طبقه را محقق نمود. اینکه این انقلاب رهائی بخش بلافاصله با اتحاد طبقه بوژوازی در اروپا به خاک و خون کشیده شد، به هیچ عنوان از حقانیت این انقلاب و آرمان رهائی بخش آن نه تنها نمیکاهد، بلکه با صلابت تمام درسهای بزرگی را به بشر امروزی دارد.

از نظر رهبران بزرگ پرولتاریای جهان، مارکس، انگلس، لنین، و از نظر تمامی کمونیست ها و مارکسیست های انقلابی، کمون پاریس یکی از درخشنده ترین و با اهمیت ترین رویدادهای کل تاریخ بشر محسوب میشود. مارکس در ستایش کمون گفت: «چه هماهنگی ای، چه ابتکار تاریخی ای، چه فداکاری ای. تاریخ عظمتی شبیه این سراغ ندارد.» کمون پاریس در هنگامه ای به منصفی ظهور رسید (1871 میلادی) که علم مارکسیسم (یا سوسیالیسم

سوسیالیسم بورژوایی، سوسیالیسم تخیلی، و غیره نمایان میشدند و میشوند، به تئوری انقلابی نیاز دارند.

در چنان اوضاع و احوالی کارل مارکس و فردریش انگلس که مستقیماً در مبارزه ی طبقاتی شرکت داشتند، تئوری سوسیالیسم علمی را تدوین کردند. وقتی این نظریه آفریده شد و سپس با جنبش های کارگری زمانه جوش خورد، بستر بسیار مناسبی در راستای تبلیغ و ترویج و اشاعه ی سوسیالیسم علمی، و ایجاد «احزاب کمونیستی کارگران» پدید آمد.

در همان برهه ی تاریخی، نطفه های راه اندازی شدن کمون پاریس، و دهه ها بعد انقلاب کارگری اکتبر در 1917 میلادی در روسیه، فراهم آمدند. تاریخ به ما میگوید که فرایند به بار نشستن کمون پاریس از دهه های نخست قرن نوزدهم میلادی آغاز گردیده بود.

کارگران فرانسه در برآمدها و اعتصابات سال 1869 میلادی با درس آموزی از پیکارهای گذشته ی خود، اینبار خواستار سرنگونی رژیم ارتجاعی فرانسه شدند. در آن مقطع "ناپلئون سوم" به منظور مشغول کردن افکار عمومی توده های تحت ستم و استثمار جهت نجات حکومت اش از فروپاشی، در ژوئیه ی 1870 میلادی با آلمان بر سر منطقه ی "راین" وارد جنگ شد. در آن جنگ ارتجاعی، ارتش فرانسه از آلمان شکست مفتضحانه ای خورد و ناپلئون سوم نیز بدنبال

علمی) همپای رشد و تکامل خویش مسیر مبارزه ی طبقاتی را به پرولتارها نشان میداد و آنان را برای سازماندهی انقلاب کارگری، ایجاد حکومت کارگری، بنیاد نهادن ساختمان سوسیالیسم، و در یک کلام رهایی بشریت از شر ستم و استثمار طبقاتی، آماده میساخت.

طبق اسناد تاریخی موجود، چند دهه پیش از کمون پاریس و برافراشته شدن بیرق سرخ کارگران در این شهر، اروپا شکل گیری سه جنبش برجسته و عظیم کارگری همانا قیام مسلحانه ی کارگران ابریشم بافی "لیون" در فرانسه، جنبش چارتیست ها در انگلستان و شورش مسلحانه ی کارگران نساجی آلمان را دیده بود. هر یک از این جنبش های کارگری سربلند و غرورآفرین سبب داغ شدن زمین در زیر پای بورژوازی اروپا شده بودند. اگرچه هر کدام از این سه جنبش بزرگ کارگری در دهه ی چهل قرن نوزدهم میلادی با ناکامی و شکست مواجه شدند، لیکن این درس و تجربه ی بس با ارزش و مهم را در پی داشتند، و آن اینکه کارگران در آن دوران (و چه ایندوره) برای پیشروی در مبارزه بر ضد سرمایه داری و به زیر کشیدن این نظام استثمارگر نه تنها به حزب خویش (حزب کمونیست) نیازمندند، بلکه جهت درک و تشخیص نظرات انحرافی و مغایر با منافع عالیله ی خود که در قالب سوسیالیسم ارتجاعی (سوسیالیسم فئودالی، سوسیالیسم خرده بورژوایی، سوسیالیسم حقیقی)،

"پرلاشز" غرق در خون شد. از شمار جانباختگان، دستگیر شدگان، و آنهایی که تبعید شدند آمار دقیقی وجود ندارد. برخی از چهارده هزار نفر کشته، پنج هزار نفر زندانی، و پنجاه هزار نفر تبعیدی خبر دادند. به این ترتیب عمر کمون پاریس که فرانسه را سنگر پیکار و جدال های کل پرولتاریای جهان اعلام داشت، فقط هفتاد و دو روز بود.

لنین در «درس های کمون» به درستی نوشت: «**ترکیب وظایف متضاد میهن پرستی و سوسیالیسم، اشتباه مهلك سوسیالیست های فرانسه بود. مارکس در سپتامبر 1870 میلادی به پرولتاریای فرانسه نسبت به خطر گمراهی توسط ایده ی **هویت کاذب ملی هشدار داده بود،** درحالیکه در آن زمان در انقلاب کبیر، تخصیص طبقاتی تشدید گردیده بود، مبارزه علیه کل ارتجاع اروپایی، تمامی ملت انقلابی را متحد کرده بود، امروز پرولتاریا دیگر نمی توانست منافع خود را با**

آوردند. با این تقابل قهرمانانه بزرگترین انقلاب اجتماعی طبقه ی کارگر در تاریخ بشریت به پیروزی رسید. این انقلاب کارگری ستون های وجه تولید سرمایه داری را لرزاند و چشم انداز خلاصی از نظام استثمارگر سرمایه داری، و آزادی و برابری میان انسانها، را در برابر جهانیان گشود. کارگران به محض اینکه قدرت را از آن خود ساختند، با برگزاری انتخاباتی دموکراتیک، کمون پاریس یا نخستین حکومت کارگری جهان را پایه ریزی کردند. سرمایه داران با دیدن چنین تحولاتی تحمل اشان را از دست دادند و بدین سان به فکر انتقام از کارگران افتادند. بدین نحو، روز بیست و یکم ماه مه 1871 میلادی، ارتش و نیروهای جیره خوار بورژواها به پاریس یورش بردند. کموناردها در برابر آن تهاجم وحشیانه با همه ی توان قهرمانانه ایستادگی کردند. کمون پاریس یا تیرباران کموناردها در یکی از آخرین سنگرهایشان یعنی در پای دیوار گورستان معروف

شکستهای متوالی، مجبور گردید تا "سدان" را به آلمانی ها تسلیم کند. چندی نگذشت، ناپلئون توسط ارتش "بیسمارک" دستگیر و روانه ی حبس شد.

با پخش خبر سقوط "سدان" در پاریس، شعله ی خشم و نفرت کارگران و توده های مردم فرودست این شهر زبانه کشید. هرچند پرولتاریای فرانسه دارای گرایشات گوناگونی بودند، با این وصف متحدانه، همراه با کمونیست ها و با در دست داشتن سلاح به خیابانها هجوم بردند و طی دو روز شورش و نبرد شجاعانه با نیروهای ارتجاعی حافظ سرمایه، به پیروزی دست یافتند و با درهم شکستن مقاومت محافظان کاخ سلطنتی و آنگاه اشغال کاخ، و همچنین با به تصرف درآوردن مجلس و شهرداری، «جمهوری سوم» را بجای امپراطوری دوم مستقر ساختند. دیری نپایید حزب جمهوریخواه که ماهیتی سراپا ارتجاعی و سازشکارانه داشت، قادر گردید از فرصت پیش آمده استفاده ی لازم را ببرد و قدرت سیاسی را غصب نماید.

"تی پرز" در هجدهم مارس 1871 میلادی به ارتش خود دستور داد تا کارگران را خلع سلاح کنند. ارتش ضد مردمی هم برای اجراء این امر وارد عمل شد. با این وجود، طبقه ی کارگر و مردم پاریس به مقاومت و مقابله ای جانانه پرداختند و ارتش را فراری دادند، و بلاخره نقاط استراتژیک شهر پاریس را به تصرف خود در



منافع سایر طبقات متخاصم درهم آمیزد؛ اجازه بدهد بورژوازی مسئولیت خفت ملی را متحمل شود. وظیفه ی پرولتاریا، نبرد برای رهایی سوسیالیستی کار از یوغ بورژوازی بود. »

بی تردید کمون پاریس در قامت اولین حکومت کارگری کارهای بزرگی انجام داد. حکومت شورایی کارگران که قدرت سیاسی را از چنگ بورژوازی گرفت و آنرا از اریکه ی قدرت پائین کشید، با لغو مالکیت خصوصی، زمین ها را به دهقانان سپرد و ابزار کار و تولید را به تملک کارگران درآورد. حکومت شورایی کارگران حقوق هر کارمند دولت را مساوی با حقوق یک کارگر متوسط تعیین کرد. حکومت شورایی کارگران ارتش حرفه ای و ادارات پلیس را منحل، و بجای دم و دستگاه سرکوب، توده های کارگر و زحمتکش جامعه را مسلح کرد، و تمامی حقوق و مایملک کلیساها و نهادهای مرتجع مذهبی به مصادره درآمدند و مذهب به امر خصوصی انسانها تبدیل گردید. کمون پاریس مشارکت زنان در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی را گسترش داد و باعث پیشرفت حقوق و خواسته های زنان شد. کمون پاریس، تن فروشی را که شکلی از استثمار است از میان برداشت. کمون پاریس حق طلاق برابر، و نیز آزادی زندگی مشترک را به رسمیت شناخت. به دستور کمون پاریس، درب تمامی آن مراکزی که وسائل زندگی کارگران را در ازای پرداخت وام گرو میگرفتند،

به جرم سودجویی و چپاول کارگران و مردم تهیدست، بسته شدند. کمون پاریس همه ی شهروندان را از پرداخت اجاره خانه معاف ساخت. کمون پاریس به اثبات رساند که پرولتارها در هر جای این کره ی خاکی می توانند نظام استثمارگرانه و ظالمانه ی سرمایه داری را برچینند و نظام انسانی خود را مستقر کنند. کمون پاریس این حقیقت را آشکار ساخت که، کارگران این توان را دارند تا حکومت خودشان را تأسیس، و در مقام صاحبان اصلی جوامع بشری، آزادی، برابری، امنیت، رفاه، و آسایش را برای انسانها تأمین نمایند.

پرولتارهای ایران و جهان بدون مبارزه ای انقلابی، بدون جدالی همه جانبه بر ضد سرمایه، و بدون اتحاد و همبستگی و پشتیبانی وسیع از همدیگر نمی توانند این وضعیت تآلم بار و ضد انسانی را تغییر دهند. پرولتارهای جهان می باید با پیکارهای قاطعانه و بدون انقطاع خود علیه بربریت حاکم بر جوامع امروز، و علیه نظم نکبت بار کنونی، به سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها بفهمانند که، زمان تعرض به کلیت نظام سرمایه داری، و از میان بردن آن دیر یا زود فراخواهد رسید.

یکی از مهمترین درسهای مهم کمون، حق برابر همه انسانها بدون توجه به هویت های ملی و قومی بود. این مهم بویژه برای ما که در دوره ای از تاریخ منطقه و جهان مبارزه میکنیم که بورژوازی با اتکا به این نوع سیاستهای کثیف، سعی در

استفاده از تفرقه قومی و ملی بین کارگران دارد، اهمیت صد چندان دارد. برای ما کمونیست کارگرهای آذربایجان که تلاش داریم مبارزه کارگران و مردم جان به لب رسیده از حاکمیت داعشیان اسلامی در آذربایجان را هدایت و به سرانجام موفقی برسانیم، درسهای کمون از جهاتی خاص اهمیت صد چندان پیدا میکند.

یکی از مهمترین درسهای کمون، قانون شهروندان متساوی الحقوق بدون توجه به ملیت شهروندان بود. وقتی کمون یک کارگر آلمانی را به وزارت کار برگزید، قانون شهروند متساوی الحقوق بدون توجه به ملیت را عملی نمود و رهنمودی تاریخی و اجرایی را در برابر بشر متمدن امروزی قرار داد. این درس کمون کاملاً در تقابل با نگرش بورژوائی ناسیونالیستی است. برای ما کمونیستها، امروز بعد از یک و نیم قرن، این امر که ناسیونالیسم، نگرشی ضد انسانی به جامعه و روابط بین انسانهاست، کمون میاموزد که بر این باور انسانی و کمونیستی خود پابفشاریم که تنها جامعه ای که در آن همه انسانها بدون توجه به ملیت و نژاد و مذهب شهروندان متساوی الحقوق به حساب آیند، جامعه ای سوسیالیستی است. با این نگرش میتوان جامعه را از گزند سمومات ناسیونالیستی که انسانها را بر مبنای زبان و ملیت از همدیگر جدا میسازد و آنها را در برابر هم قرار میدهد، مصون داشت. ■

5 آوریل 2018

به یاد قربانیان بمباران شیمیایی خلیجه



جلیل جلیلی

ساعت ۱۱ صبح یکی از روزهای زمستان سال ۱۳۶۶، چهارشنبه ۲۶ اسفند برابر با ۱۶ مارس ۱۹۸۸ بچه ای که با لالایی دایه در حال خواب رفتن در بغل مادرش بود، فریاد زد: "دایه، کوپتره کان هاتن" مادر، هلی کوپترها آمدند. مادرش بسرعت او را در بغل خود فشرد و گفت نترس دخترم. غافل از اینکه اوضاع ترسناکتر از آن بود که او بتواند آرامش را به فرزند خود بازگرداند. صدای شیون و فریاد از همه جا بگوش رسید. کسی نمیدانست به کدام طرف باید فرار کند. گاه صداهایی بگوش میرسید که حکایت از فاجعه بزرگی داشت.

آری این بمباران شیمیایی بود. و صدایی که بگوش آن بچه خوده بود در واقع صدای هواپیماهای جنگی و انفجار

بمب بود. پنجاه فروند هواپیمای جنگی هر کدام حاوی ۴ بمب شیمیایی و ۵۰ خلبان به دستور صدام حسین و پسر عمویش، علی حسن المجید، معروف به علی شیمیایی، بمبها را در گوشه گوشه شهر ۷۰ هزار نفری خلیجه و روستاهای اطراف فرو ریختند. دقایقی بعد از هر انفجار، ده ها زن و مرد و کودک و پیر با پیکرهای کبود و تاول زده به زمین افتادند. در عرض چند ساعت حدود ۲۰۰ بمب در شهر منفجر شد.

بمباران شیمیایی خلیجه وسیع ترین مورد استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی از زمان جنگ جهانی دوم تا آن تاریخ بوده است. در اثر این عمل جنایتکارانه بیش از ۵۰۰۰ نفر انسان قتل عام شدند و بیش از ۷۰۰۰ نفر زخمی و تا آخر عمرشان فلج و ناقص العضو شدند. سه چهارم این قربانیان زنان و کودکان بوده اند.

حدود یکسال بعد از این فاجعه دردناک، خبرگزاری فرانسه اعلام کرد: "خلیجه شهری از کردستان عراق که به تصرف ایران در آمده و طی روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند ماه توسط عراق بمباران شیمیایی شده، منجمد و ساکن در خوابی عمیق فرو رفته است." و نیویورک تایمز آمریکا نوشت: "این عمل از هر جهت و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است که با انکارهای سست و رسمی عراق و عذر و بهانه های غیررسمی در مورد استفاده از یک سلاح ناجوانمردانه در آمیخته است." تحویل دهنده مواد خام

محصولات شیمیایی این بمبها به دولت عراق يك تاجر هلندی به اسم "فرانس فان آنرات" بوده است.

براساس گزارش های منتشر شده، دولت عراق با خرید مواد شیمیایی از دولتهای آمریکا، آلمان غربی، هلند و با کمک کارشناسان آلمانی موفق شده بود چندین تن گاز اعصاب در هر هفته تولید کند. بنابراین، هر چند که فرانس فان آنرات، پس از سرنگونی حکومت صدام از عراق به هلند برگشت و درباره تسلیح شیمیایی عراق مورد محاکمه قرار گرفت و محکوم گردید، اما، در این مورد و بسیاری از موارد دیگر، به ویژه در عرصه تولید سلاح های مخرب و تسلیح دولت های دیکتاتوری توسط دولت های به اصطلاح دمکراتیک و پیشرفته جهان، هیچ دادگاهی اظهارنظر نمی کند.

بیست و چهار سال بعد از این بمباران، خبرگزاری بی بی سی از قول يك دکترا جراحی که در شهر خلیجه کار میکرد گزارش داد: "بازمانده های مواد شیمیایی هنوز در آب و در هوا و داخل غذا دیده میشود." و شواهد نشان داده است که بعد از بمباران شیمیایی انواع سرطان، سقط جنین، بدنیا آمدن بچه های ناقص العضو یا مرده به شکل فوق العاده ای افزایش یافته است.

سی سال بعد از فاجعه خلیجه، ما شاهد فاجعه دیگری در عفرین هستیم. شهری که بطور وحشیانه ای ازطرف ارتش مسلح به پیشرفته ترین سلاح های جنگی دولت فاشیست ترکیه مورد حمله و بمباران

شکست نظامی عفرین و رسوایی سیاسی دولت فاشیستی ترکیه!



حسن صالحی

شکست نظامی عفرین پس از حدود دو ماه حمله جنایتکارانه دولت فاشیستی ترکیه و مقاومتی تحسین برانگیز در جنگی نابرابر اتفاق افتاد. عفرین مقاومت قهرمانانه ای از خود به نمایش گذاشت. در شهرهای مختلف دنیا، مردم به حمایت از آن برخاستند. اما پیروزی در یک نبرد نظامی که یک طرف آن به توپ و تانک و هواپیمای جنگی و هزار و یک ساز و برگ نظامی دیگر مسلح است و طرف دیگر آن از

است. از سوی دیگر نقشی که دولت ترکیه در بحران سوریه پس از امریکا، جمهوری اسلامی و روسیه ایفا می کند حتی با اشغال عفرین هنوز حاشیه ای است و جدی گرفته نخواهد شد.

عفرین اما فقط به دلیل تفوق نظامی دولت فاشیستی ترکیه سقوط نکرد. عفرین در امید واهی احزاب ناسیونالیستی که فکر می کردند با بند بازی میان آمریکا و روسیه می توانند این شهر را حفظ کنند به خودش پشت کرد. قرار بود که عفرین نماد قدرت مردم باشد. قرار بود که عفرین نماد اتکا به مردم باشد. اما چهارچوب و افق سنتی ناسیونالیستی یعنی اتکای به دولتهای ارتجاعی غربی و منطقه ای برای کسب پیروزی نتیجه عکس به همراه داشت.

من نمی دانم که اگر در عفرین افق و سیاست دیگری حاکم بود این شهر چقدر می توانست به لحاظ نظامی در مقابل ارتش تا به دندان مسلح ترکیه از خود دفاع کند و یا پیروزی بدست آورد. ولی یک چیز مسلم است. دشمن را به خانه راه نمی داد و به آنها اعتماد نمی کرد. ■

این امکانات برخوردار نیست بسیار سخت و دشوار است. اما ارتش ترکیه هم می داند که این پیروزی نظامی بشدت شکننده است. چرا که جنگ به شکل پارتیزانی برای از پای در آوردن نیروهای ترکیه و متحدینش ادامه خواهد یافت و در این نوع جنگ نیروهای مسلح کرد تجربه زیادی دارند.

عفرین در زمینه نظامی شکست خورد ولی دولت فاشیستی ترکیه از این نبرد به لحاظ سیاسی پیروز بیرون نیامده است. دولت ترکیه بعنوان دولتی که حقوق مسلم و پایه ای مردم کردستان را سرکوب می کند در چشم مردم جهان و انظار بین المللی بعنوان جنایتکار رسواتر شده است. قرار گرفتن دولت ترکیه در کنار نیروهای شبه داعشی برای گرفتن خونبار عفرین هر چه بیشتر این دولت را با داعش تداوی خواهد کرد. دولت ترکیه این شانس و اقبال را داشت که درمغیت سکوت و یا همراهی خاموش دول غربی و روسیه در عفرین موفقیت نظامی بدست آورد. ولی این دولت در نزد مردم عادی کشورهای غربی بعنوان قاتل مردم بی دفاع عفرین و عامل کشتار و نسل کشی مردم کردستان شناخته شده

متشکل باید بپا خیزد و دنیا را از منجلابی که در آن دست و پا میزند نجات دهد. ■

لندن مارس ۲۰۱۸

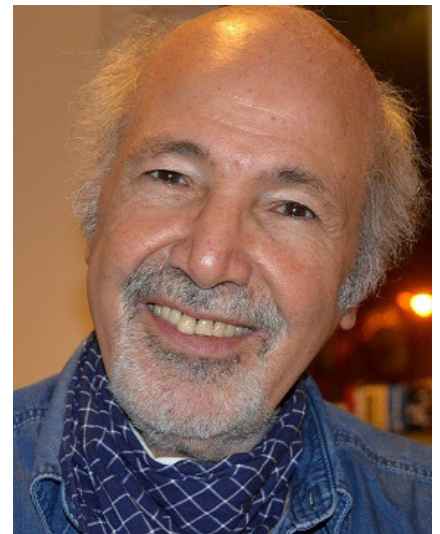
دنباله به یاد قربانیان بمباران شیمیائی حلبچه

هوایی و زمینی قرار گرفت که در نتیجه آن هزاران نفر انسان جان خود را از دست دادند و ده ها هزار زن و مرد و پیر و جوان و کودک آواره و بی خانمان.

دنیایی که به دست عده ای انگل و مفتخور و بی وجدان اداره میشود، دنیایی مناسب و لایق برای بشریت نیست. این دنیا را باید زیر و رو کرد. مقدرات مردم دنیا نباید به وسیله سود و ثروت عده قلیلی از استعمارگران تعیین شود. جبهه انسانیت و در راس آن، طبقه کارگر



عفرین زخمی



کازم نیکخواه

صحنه‌ها تکان دهنده و غم‌انگیز است. کودکان و مردان و زنان آواره و بیمار و بی‌سرپناه، خانه‌های مخروبه و به‌متروکه و به‌توپ بسته شده، تانک‌هایی که در میان خانه‌های مخروبه غرش میکنند، سربازان قلمچماقی که دیوانه وار به در و دیوار عفرین شلیک میکنند و اوباش مسلحی که خانه‌های رها شده را تاراج میکنند. در آنسو شاهد جشن قلدرسالاری اسلامی‌ها و ناسیونالیست‌ها در ترکیه علیه مردمی هستیم که با جنایات ارتشی تا دندان مسلح در کوه و بیابان به آوارگی کشیده شده‌اند. مردمی که گناهکارند. گناهشان چیست؟ تلاش برای به دست گرفتن سرنوشت خود. چه گناه بزرگی است این تلاش در قریه‌ای که دنیا هنوز در دست نیروهای مرتجع و متعفن است. در ایران جمهوری اسلامی سرکار است. در روسیه پوتین در آمریکا ترامپ. در ترکیه اردوغان و... در این دوره عفرین باید

کردستان سوریه خلاص کند، و پوتین و خامنه‌ای و اسد بدون اینکه هیچکدام به خود جرات دهند آشکارا از این لشکرکشی حمایت کنند، دعای خیرشان را نثار اردوغان کرده بودند. به این ترتیب پیروزی اوباش اردوغان در عفرین قابل پیش‌بینی بود.

اما تاریخ عربده‌پیروزی اوباش مسلح بر روی خانه‌های ویران شده مردم را کم‌نمیده است. این تجربه تلخ تاریخ است. در عین حال مردم همیشه از این تجربیات تلخ درس گرفته‌اند و دیکتاتورها و خودکامگان و نیروهای فاشیست و منفور را دیر یا زود سر جای خود نشانده‌اند و به زباله‌دان پرتاب کرده‌اند. سرنوشت اردوغان و دیکتاتورهای فاشیست و مرتجع معاصر او نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. روند کنونی اوضاع و خیزش‌هایی که هرروز در ایران و ترکیه و دیگر کشورهای منطقه سربلند میکند و گسترش می‌یابد، تاکیدی بر این حقیقت است. مردم جهان از عفرین همیشه با افتخار یاد خواهند کرد و دیرنخواهد بود که اشغال‌کنندگان را با نفرت و انزجار از صحنه جوامع جارو کنند. تردیدی در این نباید داشت. ■

مورد یورش قرار گیرد. نام عفرین در کنار قارنا و قلاتان و حلبچه و سنندج خونین برای همیشه در دل تاریخ ثبت شد. نیروهای سیاسی کردستان سوریه تا آنجا که برای سیاست آمریکا مفید بودند، حق داشتند در شعاعی به اندازه کوبانی و چند شهر و روستا جولان کنند و با از خودگذشتگی هزاران تن از مردم مسلح تجربه افتخار آفرین کوبانی را خلق نمایند. در واقع جنگ کوبانی پیروزی مردم و شکست حکومت اسلامی اردوغان بود. روزی که کوبانی جشن گرفت، ترس و شرم بر کاخ حکومتیان سایه انداخته بود. دنیا می‌دانست که حاکمین ترکیه و عربستان و اربابانشان خالقین داعش بودند و اکنون با شرم و سرشکستگی شاهد پایان پروژه زشت و کثیف و ضد انسانی خویش بودند. یورش به عفرین انتقام از کوبانی بود. انتقام از مردمی بود که با شکست دادن داعش امید یافته بودند، سربلند کرده بودند و شوق‌رهایی در قلیه‌ایشان زبانه کشیده بود. این یورش بود که چراغ سبزش را واشنگتن با ریاکاری و توطئه‌گری داده بود، تا خود را از شر متحدین موقت خویش در



عمل وحشیانه توسط اوباش شهرداری- تخریب مسکن یک خانواده معلول در ارومیه



شهلا خباززاده

روز جمعه ۱۸ اسفند ماموران شهرداری ارومیه محل مسکونی یک خانواده معلول را در خیابان اسماعیل زاده به بهانه "ساخت غیر مجاز" تخریب کردند. انتشار تصاویر این خانواده در کنار ساختمان ویران، موجی از نفرت و خشم در بین مردم بوجود آورد بطوری که مقامات جمهوری اسلامی را ناچار به واکنش و لاپوشانی مسئله کرد.

شهردار ارومیه وقیحانه ساختن این بنا را غیرقانونی اعلام کرد و "قلع و قمع" آن را توسط مامورین شهرداری تأیید کرد. ولی در عین حال ناچار شد که از مردم عذرخواهی کند. نادر قاضی پور عضو مجلس اسلامی از ارومیه گناه را به گردن خانواده معلول دانست که چرا بدون اطلاع سازمان بهزیستی اقدام به ساختن این بنا کرده اند ولی جرئت نکرد عمل غیر انسانی شهرداری

کسانی که قادر به پرداخت رشوه و باج نباشند سر و کارشان با دسته های چماقدار و اوباش مسلح می افتد که برای حمله به مردم از طرف شهرداری ها سازمان داده شده اند. صحنه های فجیع حمله به دستفروشان و تخریب محل های مسکونی محقر مردم که بارها و بارها در مدیای اجتماعی منتشر شده بخوبی نشان دهنده ماهیت شهرداری ها است.

مردم ارومیه می گویند که چرا غارتگرانی که پرونده های آنها افشا شده، در سایه جمهوری اسلامی به کار خود ادامه می دهند ولی خانواده معلولی که بیشترین توجه را لازم دارد، بجرم تهیه یک مسکن، مورد حمله قرار میگیرد. مردم ارومیه میپرسند چرا پرونده دزدی کلان رئیس دانشکده فنی و حرفه ای ارومیه از دانشجویان خوابگاهی، مسکوت نگاه

داشته شد. مردم می پرسند مجرمان اصلی اختلاس ۴۱ میلیون تومانی در یکی از بانکهای آذربایجان غربی، چرا دستگیر نشده اند. پاسخ این سوالها را مردم میدانند و غارتگران را بخوبی میشناسند.

ارومیه را بطور کامل تأیید کند و گفت: "ولی ما از شهرداری از این جهت گلایه داریم که باید قبل از هر اقدامی به بهزیستی اطلاع می دادند تا این سازمان به عنوان قیم این خانواده پای کار می آمد و تخریب این بنا با هماهنگی بهزیستی انجام می شد، ضمن اینکه روز بسیار بدی را نیز برای انجام این ماموریت انتخاب کردند."

عمل تخریب منزل خانواده معلول در روزی انجام شده که توسط جمهوری اسلامی بعنوان روز مادر اعلام شده. بنظر نادر قاضی پور اگر این کار روز دیگری انجام میشد، اشکالی نداشت.

شهرداری ها در جمهوری اسلامی عملاً ارگانهای غارتگری و چپاول هستند. هر کدام از شهرداری ها در اختیار یک گروه مافیایی قرار دارد که با زمین خواری، صدور مجوز های غیر قانونی، قرار دادن امکانات شهری در اختیار دست اندرکاران پول های هنگفت به جیب می زنند. شهرداری ها با ایجاد موانع در زندگی مردم آنها را به بهانه های مختلف مجبور به پرداخت عوارض و جریمه های سنگین می کنند. و



مقابل استانداری در تبریز تجمع کردند.

۲۶ اسفند

از صبح روز ۲۶ اسفند کارگران راه آهن میانه طبق فراخوان قبلی دست از کار کشیده و خواستار دستمزدهای پرداخت نشده و عیدی و سنوات و سبد کالای خود شدند. در رابطه با این موضوع کارگران راه آهن در سطحی سراسری از جمله در شهرهای کرج، اسلامشهر، زاگرس لرستان، مشهد، تبریز، دامغان، سمنان، فراخوان به اعتصاب داده بودند. ■

۲۰ اسفند

کارگران شاغل و اخراجی فولاد ارومیه در اعتراض به اخراجها و تعویق پرداخت یکسال دستمزدشان و کارگران بیکار شده در مقابل استانداری تجمع کردند. مقامات مسئول وعده داده بودند که تا بیستم اسفند نیمی از حقوق آنها پرداخت خواهد شد. اما در این روز خبری از حقوق نشد.

۲۲ اسفند

جمعی از راهداران استان آذربایجان شرقی در اعتراض به عدم پرداخت عیدی و مزایایشان

اخبار اعتراضات کارگری آذربایجان ۱۳۹۶

شهلا خباززاده

۱۵ اسفند

جمعی از کارگران کارخانه فولاد ارومیه در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. کارگران کارخانه فولاد ارومیه حقوق ۸ ماه تا یک سال خود را از این شرکت مطالبه دارند.

۷ اسفند

کارکنان انبار نفت جدید ارومیه در اعتراض به پرداخت نشدن ۸ ماه حقوق و بیمه خود در مقابل ساختمان شرکت ملی پخش فراورده های نفتی در تهران دست به تجمع زدند.

۱۲ اسفند

کارگران راه آهن آذربایجان در اعتراض به حقوق معوقه خود تجمع کردند.



دنباله عمل وحشیانه توسط اوباش شهرداری ارومیه

پاسخ جمهوری اسلامی در مقابل این سوالها دست بردن به چماق و سرکوب است.

داشتن مسکن مناسب و امن حق همه مردم است. بویژه مسکن معلولین باید بطور ویژه از همه گونه امکانات رفاهی با توجه به وضعیت جسمی

حکومتی را باید وادار کرد که به این خانواده خسارت پرداخت کرده و هر چه زودتر مسکن مناسب برای آنها تامین کند. مشکل مسکن را در غارتگری حکومت سرمایه داری اسلامی باید جستجو کرد. این مشکل فقط با سرنگونی این حکومت و بدست شوراهای مردمی قابل حل است. ■

ساکنین آن برخوردار باشد. حکومتی که نتواند این حق طبیعی مردم را تامین نماید، باید گورش را گم کند. به توحش شهرداری ها و باند های مافیایی آن باید اعتراض کرد. وضعیت خانواده ای که مسکن آنها توسط شهرداری ارومیه تخریب شده، باید در مرکز توجه قرار بگیرد. شهرداری ارومیه و مقامات

نامه کارگر محکوم به زندان به شریک زندگیش به مناسبت ۸ مارس روز گرامیداشت زن

همسر عزیزم با توجه به تجربه ای که در این سالها به دست آورده ای از شما میخواهم وقتی که من به زندان رفتم بخندید بخندید بخندید تا سرمایه داری فکر نکند که من با زندان رفتن دست از باورم میکشم.

خانم عزیزم، مروارید شریف پور، بچه های عزیزم، من از شما ها سپاسگزارم که در تمام فراز و نشیبهای زندگی سیاسی، من را تحمل کردید و یارو یاور من بودید و هستید. امیدوارم در عرصه ی زندگیتان

شاد و موفق و انسانهای خوبی باشید برای جامعه. شماها آزاد هستید هر باوری را انتخاب کنید، من و هیچ کس نمیتوانیم باورهایمان را به شما تحمیل کنیم. این شما هستید که باور انسانی انتخاب میکنید و خدمت گزار جامعه بشری میشوید. مروارید جان! من از شما معذرت خواهی میکنم که در حقوق برابری تو کوتاهی کردم. من سپاسگزارم که در طی این ۳۴ سال زندگی مشترک شما به خاطر باور من، تبعید و زندان من را با جان و دل تحمل کردی و با دار و ندار من ساخته اید. من هم تمام این سختی ها را فقط برای خوشبختی شما و همنوعان تحمل کرده ام. میکوشیم جامعه ای انسانی، برابر و به دور از هرگونه تبعیض طبقاتی، جنسیتی، ملی و نژادی را بسازیم. خواهان قانونی هستیم که تمام انسانهای کره خاکی به ویژه ایران که توان کار دارند کار کنند و همه هم به اندازه ی نیازشان برداشت کنند. تمام این خواسته ها بدون هزینه به دست نمی آید. همسر عزیزم و دخترهای گلم! پیشاپیش ۸ مارس روز جهانی زن را به شما و تمام زنان ایران و جهان تبریک عرض میکنم.

زنده باد برابری زن و مرد

عثمان اسماعیلی چهارشنبه ۹۶/۱۲/۹

اعتبار زبان های رایج در کشور

ممنوعیت زبان رسمی اجباری. دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد.

تغییر الفبای فارسی

به منظور کمک به پایان دادن به عقب ماندگی جامعه از صف مقدم پیشرفت علمی و صنعتی و فرهنگی در جهان امروز و برای کمک به بهره مند شدن توده مردم ایران از مواهب این پیشرفت ها و امکان شرکت مستقیم تر و فعالانه تر آنها در حیات علمی و فرهنگی جهان معاصر، الفبای رسمی زبان فارسی باید طی یک برنامه سنجیده به الفبای لاتین تغییر کند.

بعلاوه، در همین راستا حزب کمونیست کارگری همچنین خواهان آنست که زبان انگلیسی، با هدف تبدیل گام به گام آن به یک زبان آموزشی و اداری متداول در کشور، از سنین پائین در مدارس آموزش داده شود.

در کنار تقویم محلی، تقویم میلادی، که امروز تقویم رسمی در سطح بین المللی است، رسمیت قانونی پیدا کند و در اسناد رسمی کشور ذکر شود.

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

ایران، حکومت اسلامی سرمایه داری در ایران است. ریشه همه اختلافات طبقاتی و تبعیضات اجتماعی در سیستم سرمایه داری است که جمهوری اسلامی پاسدار آن است.

مردم، کارگران، زنان و جوانان فقط در سایه اتحاد مبارزاتی است که قادر خواهند بود این رژیم منحوس را بزیر کشیده و بر ویرانه های آن جامعه ای آزاد و برابر را سازمان دهند. جامعه ای که در آن همه انسانها، شهروندان متساوی الحقوق هستند و از یک زندگی انسانی برخوردار خواهند شد..

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتراضات مردم اهواز و آبادان علیه حکومت اسلامی، اعلام میدارد که مردم و کارگران آگاه در خوزستان و آذربایجان، فریب سیاستهای کثیف رژیم را نخواهند خورد و با اتحاد مبارزاتی شان مشت محکمی بر دهان این رژیم و ناسیونالیستها خواهند زد.

زنده باد جنبش متحدانه کارگران و مردم ایران علیه جمهوری اسلامی

زنده باد جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران

سرنگون باد جمهوری اسلامی

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

13 فروردین 1397 - 2 آوریل 2018

مردم هم که دنبال فرصتی برای اعتراض به رژیم هستند، در شهرهای اهواز و آبادان در صفوف هزاران نفره به خیابان آمدند و علیه تحریکات قومپرستانه رژیم اسلامی اعتراض کردند.

دسته های قوم پرست و ناسیونالیست عرب و ترک که منتظر تحریکات تفرقه افکنانه رژیم هستند، از طرف مقابل تحریک ارتجاعیشان را شروع کرده اند تا در میان مردم معترض به حکومت اسلامی تفرقه بیاندازند. این جریانات پیشروانه تلاش میکنند ریشه اصلی معضلات و مشکلات و تحقیرها را به "فارسها" و ضدیت "فارسها" با "عربها" نسبت دهند. مثل همیشه ارتجاع اسلامی فاشیستی منبع تغذیه ناسیونالیسم قومپرست شده است.

رژیم اسلامی با این تحریک ناسیونالیستها، انگار به هدف شوم و کثیف اش رسیده است. تجربه دامن زدن به تفرقه قومی و ملی از طرف سپاه و اطلاعات در منطقه آذربایجان شناخته شده است. جمهوری اسلامی که هر روزه مورد تعرض مردم است و قدرت سرکوب ندارد برای رهایی از این بن بست، دست به تحریکات و تفرقه افکنی قومی و ملی میان مردم میبرد و همیشه برای رسیدن به هدف کثیفش روی جریانات ناسیونالیست حساب باز میکند.

مردم خوزستان، مردم آذربایجان:

ریشه همه معضلات جامعه در



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

تفرقه افکنی رژیم اسلامی و ناسیونالیستها در خوزستان محکوم است!

در سال جدید، جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران، در اشکال مختلف ادامه دارد. در متن شرایط و توازن قوای جدید سیاسی، مردم اهواز در پی اقدام تحریک آمیز شبکه دو صدا و سیمای مرکز اهواز، دست به اعتراضات خیابانی زده و به رژیم اعتراض کردند. (در نقشه جغرافیایی این برنامه، از "اقوام" مختلف اسم برده شده ولی مردم عرب زبان از نقشه حذف شده است).

در حالیکه فضای شهرهای خوزستان تحت تاثیر خیزش انقلابی دیمه و در ادامه آن اعتراضات باشکوه کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفته تپه و اعتراضات مردم علیه کم آبی کارون و منطقه و علیه آلودگی ناشی از پخش ریزگردها که نفس کشیدن را نیز برای مردم سخت کرده، علنا علیه حکومت اسلامی است؛ رژیم به حرکتی مذبوحانه دست میزند و با پخش برنامه ای حساب شده علیه مردم عرب زبان خوزستان، فضا را برای استفاده سیاسی جریانات ناسیونالیست فراهم میکند.

هجوم نیروهای مزدور شهرداری برای تخریب خانه های مردم، دست به مقاومت دسته جمعی و اعتراض بزنند. در شرایط امروز نیروهای شهرداری در برابر مقاومت مردم متحد، قادر به تعرض و تخریب خانه های مردم نیستند.

شهردار ارومیه و مقامات حکومتی باید خوب بدانند که کار از عذرخواهیهای قلابی گذشته است. این نظام باید گورش را گم کند. این رژیم بدست مردم به زیر کشیده شده و به زباله دان تاریخ سپرده خواهد شد تا بر ویرانه های آن نظامی روی کار آید که حفظ حرمت و تامین رفاه همه انسانها وظیفه اصلیش است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه انسانی!**

**کمیته آذربایجان حزب
کمونیزست کارگری ایران**

19 اسفند 1396 - 10 مارس
2018

گسترده در بیش از صدشهر به خیابان آمده اند تا علل و ریشه این نکت، یعنی جمهوری اسلامی را از صحنه سیاسی ایران جارو کنند، شهردار ارومیه به عبت با این نوع معذرت خواهی ها و قول دروغین احداث سرپناه به این خانواده، در صدد کم کردن نفرت عمومی مردم از رژیم و شهرداری هایش است.

حرف دل مردم، امروز از زبان آن خبرنگاری بیان شده است که در پای عکس بالا نوشته است: "خوب کسی جرات داره خونه این اختلاسگرها رو به این سرعت تخریب کنه یا دو تا گردن کلفت جیره خوار رو؟! مردم پاسخ این سوال را میدانند. میدانند که شهرداریها بخشی از حکومتی هستند که در دست چپاولگران و اختلاسگرها و دزدهاست.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، از مردم محلات و حاشیه شهر ارومیه و سایر شهرهای آذربایجان میخواهد که در برابر



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

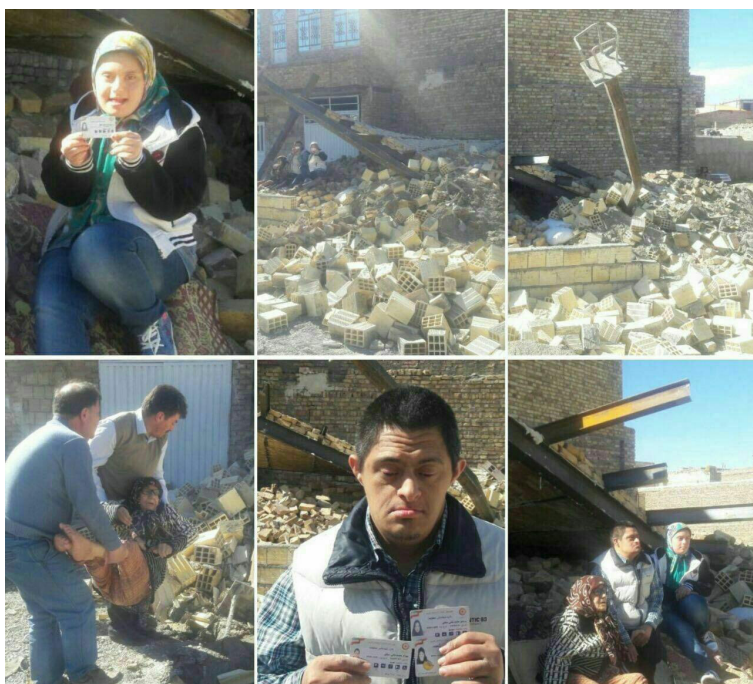
**جنایت شهرداری
ارومیه را محکوم
میکنیم!**

**باید در مقابل تخریب
سرپناه مردم ایستاد!**

شهرداری ارومیه در یک اقدام ضد انسانی، سرپناه یک پیرزن با دو فرزند سندروم داوون در شهرک ایثار را تخریب کرد. در تاریخ 18 اسفند ماموران شهرداری که کارشان تخریب منازل مردم در مناطق حاشیه شهر ارومیه است، خانه این پیرزن و دو فرزندش را تخریب کردند. انتشار این خبر در فضای مجازی و رسانه ها انزجار و نفرت وسیعی در جامعه را بدنبال داشت. در مقابل این واکنش انسانی مردم، شهردار ارومیه ناگزیر شد در محل حاضر شود و با رقت و ریاکاری از مردم ارومیه معذرت خواهی کند!

شغل دائم حکومت اسلامی پایمال کردن دائمی حقوق ابتدایی مردم است. این ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و دواير دولتی اش در برابر مردمی است که در نتیجه سیستم اقتصادی سرمایه داری و نظام چپاول و غارت آیت الله های میلیاردی، جز فقر و نداری و بدبختی، چیزی نصیب شان نشده است.

در شرایطی که مردم در ابعاد



تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت های خاص معمول داشته نشود.

حزب کمونیست کارگری تلاش برای جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هویت ملی را یک وظیفه حیاتی خود میدانند.

بعنوان یک اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند.

با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت می شناسد.

نقل از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری ایران



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

رفع ستم ملی

حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض برحسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند.

حزب کمونیست کارگری هویت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب، و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان ها میدانند و با هر نوع تقسیم بندی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است.

حزب کمونیست کارگری خواهان برقراری نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع

دوستانی با سهند، نشریه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، تماس گرفته و به درج نکاتی که به لحاظ فاکتی نادرست بوده تذکر دادند. ما تذکر دوستان را وارد دانسته و با حذف نکات مورد نظر نشریه را دوباره منتشر کردیم. با پوزش از همگان. سردبیر نشریه

یوتل ست	هات برد	پاه ست	کانال جدید را ببینید
فرکانس: 10721 پولاریزاسیون افقی سیمبل ریت: 22000 اف ای سی 3/4	فرکانس: 11471 پولاریزاسیون عمودی سیمبل ریت: 27500 اف ای سی 5/6	فرکانس: 12594 پولاریزاسیون عمودی سیمبل ریت: 27500 اف ای سی 2/3	KANAL JADID

تلویزیون کانال جدید را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید
کانال جدید صدای انسانیت، آزادی خواهی و
برابری طلبی است
کانال جدید صدای جنبش های اعتراضی
عدالت خواهانه در ایران است

ایمیل ها و تلفن تماس با کمیته آذربایجان:

آدرس سایت: www.sahand-azadi.com
فیس بوک: www.facebook.com/sahandazadiwpi
دبیر کمیته: ebrahimi1917@gmail.com
ایمیل سردبیر: farazazadi54@gmail.com
همکار فنی، اسماعیل اوجی: e.owji49@gmail.com
تماس تلفنی با نشریه و کمیته:
شهرلا خباز زاده: 00491785598886